

آینده‌پژوهی در علوم انسانی با رویکرد مدیریت دانش؛ ملاحظات، دستاوردها و اثرات

*سید کمال واعظی^۱، محمدمه‌دی قمیان^۲، سید حسام وقفی^۳

۱. دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی پردیس البرز، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. مربی گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳

Future Studies in Humanities with a Knowledge Management Approach; Considerations, Achievements and Effects

Seyed Kamal Vaezi¹, Mohammad Mehdi Ghomian², Seyed Hesam Vaghfi³

1. Associate Prof of Management, University of Tehran, Tehran, Iran

2. ph.D Student of Public Administration Alborz Campus, University of Tehran, Tehran, Iran

3. Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: (2017/Mar/13)

Accepted: (2017/Jul/15)

چکیده

Abstract

Humanities is one of the most effective factors in Futures Studies. Hence humanities itself can be subject of Futures Studies. In the present paper, we have tried to refer to effect of Futures Study in knowledge management of humanities. In the present study we have mentioned to a case study with theme analysis approach and snowball method. Validity of the interviews has been accepted because of using experts comments and for accepting reliability, retest method has been used. The result of the study has shown that orientation of humanities, complexities of human behavior and barriers of human recognition, are the most important humanities considerations. The present study has shown that the most important impacts and achievements of futures studies in knowledge management are future forecasting, creation desired changes in future, identification of change factors, realization of offers, getting to desired future, development of futures studies.

Keywords

Futures study, Humanities, Knowledge Management.

علوم انسانی یکی از عوامل تأثیرگذار در حوزه آینده‌پژوهی است. از این رو، خود علوم انسانی هم می‌تواند موضوع آینده‌پژوهی باشد. در این مطالعه، سعی بر آن است تا به نقش آینده‌پژوهی در مدیریت دانش حوزه علوم انسانی پرداخته شود. لذا به مطالعه‌ای موردی با استفاده از مصاحبه عمیق با خبرگان (که شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه از پنج رشته تحصیلی مختلف حوزه علوم انسانی بوده‌اند) پرداخته‌ایم. در این پژوهش از رویکرد گلوله برفی برای انتخاب نمونه‌ها و از روش اشباع تم‌ها به عنوان استاندارد برای پایان نمونه‌گیری استفاده گردیده است. از آنجایی که تم‌های برگزیده با بهره‌گیری از نظرات خبرگان، احصاء شده، روایی مصاحبه‌ها مورد تأیید قرار گرفته و برای تأیید پایایی مصاحبه‌ها نیز از روش باز آزمایشی استفاده شده است. با توجه به نظرات احصاء شده در این پژوهش، سوگیری علوم انسانی، پیچیدگی‌های رفتار انسان و موانع شناخت انسان، به عنوان مهم‌ترین ملاحظات اثرگذار علوم انسانی بر فرایند آینده‌پژوهی شناسایی شده است. از سویی دیگر، تحقق پیش‌بینی‌ها، رسیدن به آینده موردنظر و ارتقای دانش آینده‌پژوهی، مهم‌ترین دستاوردهای تعامل دوسویه آینده‌پژوهی و مدیریت دانش حوزه علوم انسانی تشخیص داده شده است. همچنین پیش‌بینی آینده، ایجاد تغییرات مطلوب در آینده و شناسایی عوامل تغییر، مهم‌ترین اثرات ناشی از فرایند آینده‌پژوهی بر علوم انسانی قلمداد گردیده است.

واژه‌های کلیدی

آینده‌پژوهی، علوم انسانی، مدیریت دانش.

*Corresponding Author: Seyed Kamal Vaezi

Email: vaezi_ka@ut.ac.ir

*نویسنده مسئول: سید کمال واعظی

مقدمه

آینده‌پژوهی در پی آن است تا با بهره‌گیری از تحلیل وضعیت موجود، شناسایی سازوکارهای تغییر و تعریف سناریوهای مختلف، توسعه و بهبود را در آینده‌های محتمل و ممکن پیش‌بینی کند. تصمیم‌های خوب بستگی کامل به دورنگری دارد. زندگی امروزی با گذشته بسیار متفاوت است؛ در این دنیای پرتغییر، دیگر سنت‌های قدیمی آینده ما را شکل نمی‌دهند؛ بلکه ما خود باید آینده خودمان را خلق کنیم تا بتوانیم خود، سازمان و جامعه را در برابر تغییرات جهانی آماده سازیم.

آینده‌پژوهی، ارتباطی دوسویه با جهان‌بینی، ایدئولوژی و فرهنگ ملت‌ها دارد توجه به آینده و اثرات آن در زندگی انسان، از مهم‌ترین مباحثی است که حس کنجکاوی انسان را برمی‌انگیزد. با ظهور علوم تجربی و عقلانی، کنجکاوی در آینده به پژوهش در آینده تبدیل شده و مفاهیمی چون آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری را به ارمغان آورده است. با توجه به این‌که تحلیل آینده، یکی از موارد محیط‌شناسی در مباحث استراتژیک محسوب می‌شود و تحولات علمی این مبحث در روند علمی این مباحث استراتژیک نقش دارد، هدف از روش‌شناسی آینده‌پژوهی، اکتشاف، ایجاد و آزمون آینده‌های مطلوب و محتمل به منظور بهبود تصمیمات هست (اهرسمان، ۲۰۱۲).

آینده‌پژوهی، دانشی است به‌شدت ارزش بنیاد، یعنی بر پایه ارزش‌های هر جامعه ساخته می‌شود. در کشور ما، همان‌گونه که مقام معظم رهبری اشاره کرده‌اند، سعادت و شقاوت جامعه ما در گرو پی‌ریزی درست علوم انسانی در جامعه است. ایشان این موضوع را در قالب تحول در علوم انسانی بیان کرده‌اند. تحول در علوم انسانی یعنی این‌که آیا آبش‌خورهای فکری را که از قبل در جوامع شرقی به‌ویژه در کشور ما سرریز می‌شد، عیناً باید پذیرفت یا این‌که باید بر اساس باورها و ارزش‌های خودمان به آنها توجه کنیم؟ در نتیجه چنین پرسشی، یکی از موضوعات آینده‌پژوهی می‌تواند این باشد که بگویند آینده علوم انسانی به کدام سمت می‌رود؟ چرا مکاتب فکری در علوم انسانی فراوانی در علوم انسانی وجود دارد؟ در واقع آینده‌پژوهی باید گذشته‌نگر باشد و به حال برسد، روندها را در این زمینه پیدا کند و پس‌از آن، با

استفاده از نظریه‌های منعطف و ترکیبی بررسی کند که چه آینده‌های محتملی برای حوزه علوم انسانی وجود خواهند داشت (خزایی، ۱۳۹۱).

بیان مسئله و ضرورت پژوهش

بی‌شک ایجاد تغییرات مطلوب و رسیدن به آینده موردنظر در حوزه علوم انسانی، مستلزم پیش‌بینی آینده از حیث شناخت عوامل مؤثر بر تغییرات در این حوزه است. شناسایی حوزه‌های ارزش‌آفرین در آینده علوم انسانی، احصای فضاهای انتقال دانش در آینده، شناخت نیازهای ذی‌نفعان آینده علوم انسانی و سازگاری به موقع با تغییرات، تنها بخشی از الزامات شناخت آینده است. با وجود اهمیت علوم انسانی در بین علوم مختلف، تاکنون کمتر به این موضوع پرداخته شد که جهت آینده علوم انسانی کدام است؟ علوم انسانی در آینده چه اهدافی را دنبال خواهد کرد؟ چه مؤلفه‌هایی بر ایجاد تغییرات در حوزه علوم انسانی اثرگذارند؟ علوم انسانی دارای چه محدودیت‌هایی است که در فرایند آینده‌پژوهی در این حوزه می‌تواند اثر بگذارد؟ آینده‌پژوهی چه ثمراتی را در حوزه علوم انسانی به ارمغان خواهد آورد؟

مرور مطالعات و بررسی‌هایی که با تمرکز به چنین مباحثی به سرانجام رسید. بیشتر حاکی از پژوهش‌هایی با محوریت سناریونویسی بود که در آنها به کاربرد آینده‌پژوهی در مدیریت دانش حوزه علوم انسانی بسیار کم پرداخته شده است. از این رو با بررسی‌های بعمل آمده به نظر می‌رسد به تبیین اثرات علوم انسانی بر آینده‌پژوهی و اثرات آینده‌پژوهی بر علوم انسانی با دیدگاه مدیریت دانش، کمتر اشاره شده است.

ما می‌خواهیم با استفاده از دانش آینده‌پژوهی، تصمیمات بهتری را اتخاذ نمود و قادر به اثرگذاری بیشتری بر آینده باشیم. آینده‌پژوهی به‌دنبال اثرگذاری بر تصمیمات و مؤلفه‌های مؤثر بر تصمیم است. در راستای رفع کاستی‌های موصوف و با توجه به اهمیت رابطه تعاملی آینده‌پژوهی و مدیریت دانش حوزه علوم انسانی، این پژوهش می‌کوشد ضمن مرور ادبیات آینده‌پژوهی، علوم انسانی و مدیریت دانش، با انجام مصاحبه با خبرگان و کاربست روش تحلیل تم در برقراری رابطه بین آینده‌پژوهی و مدیریت دانش حوزه علوم انسانی، مفید عمل نماید. در این مطالعه، هدف آن بوده است تا به احصای ملاحظات علوم انسانی (با نظریه مدیریت دانش) مؤثر بر فرایند آینده‌پژوهی پرداخته شود. همچنین

(تیشه‌یار، ۱۳۹۰). همچنین در سال ۱۹۴۸، پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال تجزیه و تحلیل فناوری‌های مورد استفاده در آلمان و ژاپن، آینده‌پژوهی به دلیل یک ضرورت نظامی در موسسه راند^۳ در آمریکا مطرح شد (گودرزی و محمدی، ۱۳۹۲). رشته آینده‌پژوهی مدرن در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ با انتشار کتاب تصویر آینده نوشته پولاک^۴، در سال ۱۹۵۱ و کتاب هنر حدس‌زدن نوشته وتل^۵ در سال ۱۹۶۴ به‌طور رسمی شناخته شد و پس‌از آن به مرور زمان، مراکز تحقیقاتی و مؤسسات بین‌المللی آینده‌نگاری تأسیس یافت و شاخه‌های مختلف این رشته علمی گسترش یافت (اسلاتر، ۱۳۸۵). آینده‌نگاری در سطح ملی با فعالیت ژاپنی‌ها در دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز گردید. در دهه ۱۹۹۰ شرایط جهانی به‌گونه‌ای تغییر یافته بود که استفاده از آینده‌نگاری برای بازیگران ملی تبدیل به یک اجبار می‌کرد. درخصوص آینده‌پژوهی در ایران نیز می‌توان گفت؛ این علم در ایران، دانشی نوپا محسوب می‌شود که امروزه بیشتر در دو واژه پیش‌بینی و مدیریت استراتژیک فعال است. ضمن اینکه اولین موسسه آینده‌نگاری در ایران نیز تحت نظر سازمان صنایع دفاعی تشکیل شده است که به صورت تخصصی به موضوع آینده‌نگاری می‌پردازد (گودرزی، ۱۳۸۶).

ازجمله مهم‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی می‌توان به پویای محیطی، تحلیل تأثیرات متقابل، تحلیل تصمیم، مدل‌های تصمیم‌گیری، دلفی، اقتصادسنجی، حلقه آینده‌ها، بازی‌سازی و شبیه‌سازی، پیش‌بینی هوشمندانه و شهود، تحلیل ریخت‌شناسی، روش‌های مشارکتی، درخت‌های وابستگی، سناریوها، مدل‌سازی آماری، پویایی‌های سیستم، تحلیل ساختاری، تحلیل زنجیره فناوری، پیش‌بینی‌های سری‌های زمانی، تحلیل و تأثیر روند، تحلیل لایه‌ای علت‌ها، مدل‌سازی عاملی، کاهش ناهمسانی زمینه‌ای، نگاشت مسیر و متن‌کاوی اشاره کرد (کراویچ و اسلاگتر، ۲۰۱۰).

مدیریت دانش و علوم انسانی

علوم انسانی به مجموعه‌ای از علوم اطلاق می‌شود که یا مرتبط با سرشت انسانی و فرهنگ اوست و یا مجموعه‌ای از روش‌های انتقادی و تحلیلی است که برآمده از تحقیق درباره ارزش‌ها و توانایی‌های منحصر به فرد او می‌باشد. این علوم به عنوان

دستاوردهای حاصل از فرایند آینده‌پژوهی در حوزه علوم انسانی شناسایی گردد و سرانجام اثرات متقابلی که آینده‌پژوهی بر علوم انسانی خواهد داشت شناسایی شود.

سؤالات پژوهش

با توجه به اکتشافی بودن این پژوهش، فرضیه‌ای برای آن تعریف نشده، لیکن اهداف این پژوهش درگرو سؤالات زیر رصد می‌شود:

۱. چه محدودیت‌ها و ملاحظات در مدیریت دانش حوزه علوم انسانی وجود دارد که بر آینده‌پژوهی در این حوزه اثر می‌گذارد؟
۲. دستاوردهای آینده‌پژوهی مدیریت دانش در حوزه علوم انسانی کدامند؟
۳. آینده‌پژوهی چه اثراتی را بر مدیریت دانش حوزه علوم انسانی به دنبال خواهد داشت؟

نتایج این پژوهش نشان داده که سوءگیری علوم انسانی، پیچیدگی‌های رفتار انسان و موانع شناخت انسان به عنوان مهم‌ترین ملاحظات علوم انسانی مؤثر بر آینده‌پژوهی محسوب می‌شود. همچنین تحقق پیش‌بینی‌ها، رسیدن به آینده موردنظر و ارتقای دانش آینده‌پژوهی، مهم‌ترین دستاوردهای تعامل آینده‌پژوهی و علوم انسانی تشخیص داده شده است و سرانجام اینکه مهم‌ترین اثرات شناسایی شده آینده‌پژوهی بر علوم انسانی، پیش‌بینی آینده علوم انسانی، ایجاد تغییرات مطلوب در آینده علوم انسانی و شناسایی عوامل تغییر در علوم انسانی بوده‌اند.

پیشینه نظری پژوهش

آینده‌پژوهی

اشتقاق بشر برای دانستن درباره آینده از عهد باستان وجود داشته است. پیشگویان و کاهنان نمونه‌هایی از کسانی هستند که در گذشته تلاش داشتند تا به نحوی به اشتیاق پاسخ دهند (گودرزی و محمدی، ۱۳۹۲). نخستین فعالیت آینده‌پژوهی در قالب یک تحلیل علمی، در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ گروهی از محققان به سرپرستی آگبرن^۱، در زمینه جامعه‌شناسی در آمریکا انجام شد. پس‌از آن یک استاد آلمانی به نام اوسپ^۲ از اواسط دهه ۱۹۴۰ اصطلاح آینده‌شناسی را که به معنای مطالعه آینده و در نظر گرفتن احتمالات پیش رو بود، باب کرد

3. Rand
4. Pollock
5. Vattal
6. Krawczyk & Slaughter

1. Ogburn
2. Osipp

یک رشته دانشگاهی از حیث محتوا و روش، از علوم طبیعی و علوم زیستی متمایز هستند. علوم انسانی شامل مطالعه همه زبان‌ها و ادبیات، هنرها، تاریخ و فلسفه می‌باشد (عبدی، ۱۳۹۲). کسانی که در حوزه علوم انسانی سررشته‌ای دارند می‌دانند که تولید دانش، علمی دانشگاهی و فعالیتی اجتماعی است. به گفته صاحب‌نظران، تولید دانش چه در علوم طبیعی و چه در علوم اجتماعی بر سه محور زیر استوار است:

۱- انگیزه نخستین: در یافتن چگونگی تولید دانش، نخستین پرسش‌هایی که به ذهن می‌رسد آن است که چرا یک محقق به موضوعی علاقه‌مند می‌شود؟ سؤالات و ابهامات او درباره حوزه مورد علاقه‌اش چگونه در ذهن او شکل می‌گیرند و چرا از میان انبوه سؤالات ممکن، پرسش‌های مشخصی برای او مطرح می‌شود؟ و باید اذعان نموده که جواب این دسته از سؤالات را می‌توان تحت عنوان کلی انگیزه نخستین داد (باربور، ۱۳۸۵).

۲- کار: کار به معنای درگیری با موضوع در دست مطالعه است یا اشعار به تحول در ماده‌ای در علوم طبیعی یا رفتار و نمادی در علوم انسانی بنا به اهداف انسان‌های پژوهشگر درگیر در پژوهش دارد. به عبارت دیگر پژوهشگر یا نظریه‌پرداز باید رفتاری از ماده یا پدیده اجتماعی ببیند، فهم کند و حس کند تا آن را به نظم درآورد.

۳- تعامل ارتباطی: حوزه علم‌الاجتماع متشکل از محافل علمی متعددی است. پژوهشگر باید دانش خود را در محافل علمی عرضه کند. بنابراین باید زبان علمی خاصی بیاموزد و به مجموعه‌ای از ابزارها برای اندیشیدن و بحث در باب موضوع مورد مطالعه مجهز شود. علوم انسانی که خود به عنوان یک طبقه مجزا در منظومه طبقه‌بندی علوم جای می‌گیرد دارای ویژگی‌هایی است که اندیشیدن در باب آن، آن را از سایر علوم بشری جدا می‌کند. این ویژگی‌ها را به‌طور خلاصه می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

۱- خاصیت هرمنوتیک دوگانه ابژه مورد مطالعه در علوم انسانی: ابژه محوری مورد مطالعه در علوم انسانی انسان و نهادهای اجتماعی است. این ابژه با موضوع مورد مطالعه در رشته‌های علوم تجربی و طبیعی کاملاً متفاوت است. این ابژه، دانشی را که پژوهشگر درباره او تولید می‌کند در اختیار می‌گیرد و می‌خواند یا از آن کسب آگاهی می‌کند. کسب این آگاهی در نوع رفتارش متجلی می‌شود و بنابراین رفتارش را تغییر می‌دهد (دانایی‌فرد، ۱۳۸۸).

۲- فرا آزمایشگاهی بودن ابژه مورد مطالعه در علوم انسانی: در تولید دانش علوم انسانی، آن پیوند تنگاتنگ بین ابژه و پژوهش‌گر مورد مطالعه الزامی است. در رشته شیمی می‌توان انواع مواد را در یک آزمایشگاه مطالعه کرد و به ترکیب و تجزیه آنها پرداخت و نیاز به کسب مجوز برای استفاده از آنها نیست. ولی ابژه مورد مطالعه پژوهش‌گران علوم انسانی انسان و نهادهای اجتماعی است که نمی‌توان آن را روی میز مطالعه گذاشت و تجزیه و ترکیب کرد. باید برای مثال وارد سازمان شد که ورود به آن نیاز به کسب مجوز دارد (دانایی‌فرد، ۱۳۸۸).

۳- پویایی و تغییر و تحول مستمر اجزای پدیده‌های اجتماعی: پدیده‌های اجتماعی برخلاف پدیده‌های طبیعی به دلیل نقش فعال انسان در آنها، به صورت مستمر در حال تغییر و تحول هستند؛ این امر به دلیل آشفتگی انسان امروزی در اتخاذ تصمیمات مناسب و دستیابی به اهدافش اتفاق می‌افتد. همچنین پیچیدگی روابط میان فردی و اجتماعی به سبب بروز فناوری‌های جدید، سرعت تغییرات را نیز به شکل قابل توجهی افزایش داده است به طوری که آینده‌پژوهان عنوان تغییرات آشوبناک را برای تغییرات جهان امروزی انتخاب کرده‌اند.

۴- حضور انبوه‌های اقدام‌کنندگان نسبتاً مختار در عرصه‌های اجتماعی: علل و عوامل در عرصه‌های طبیعی محدود به اشیاء و موجوداتی است که فاقد اراده هستند. در نتیجه پیش‌بینی، فهم کامل و نتایج آنها با مشکل همراه خواهد بود. به عبارت دیگر تحلیل و شناخت کامل هر پدیده اجتماعی منوط به بررسی طیف گسترده و متنوعی از عوامل مختار مؤثر در آن پدیده است که هر کدام می‌توانند بنا بر تشخیص خود به نحوی عمل کنند (عبدی، ۱۳۹۲).

۵- موانع و محدودیت‌های شناخت انسان: با این که انسان هم در مقام نظر و هم در عرصه عمل، از توانایی تعقل که در شناخت حقیقت هستی و کسب سعادت جاوید نقش اساسی دارد، برخوردار است با این حال شناخت آدمی دچار محدودیت‌هایی است. به تعبیر بهتر، تعقل مهم‌ترین فعالیت آدمی است و در تمام فعالیت‌ها، از جمله شنیدن، دیدن، مشاهدات قلبی، همچنین تولید مفاهیم و گزاره‌ها، استنتاج‌ها، ارزیابی‌ها، تعمیم‌ها، ارجاعات، اصلاحات، بازنگری‌های مکرر و یقین و عمل حضور اساسی دارد با این حال شناخت برآمده از آن دچار محدودیت‌هایی است (معلمی، ۱۳۸۹).

نقش آینده‌پژوهی در مدیریت دانش حوزه علوم انسانی

آینده‌پژوهی علاوه بر نگاه توصیف محورانه خود در تمامی مراحل و فرایندها، در انتها به‌گونه‌ای پیشگیرانه به تجویز مواردی از اقدام‌های عملیاتی دست می‌زند که به آن حالتی تجویزی می‌بخشد (عباسی، ۱۳۸۵).

به دلیل شرایط سیاسی، فرهنگی و تاریخی مناطق مختلف در طول زمان سنت‌های مختلفی هم در مطالعات آینده‌پژوهی به وجود آمد. "اسلاتر"، چهار سنت زیر را در کارهای آینده‌پژوهی برمی‌شمارد (اسلاتر، ۲۰۰۳).

۱- سنت تجربی که بیشتر در آمریکا توسعه یافت.
۲- سنتی که روش‌های آن بیشتر پایه و بنیان اجتماعی و فرهنگی داشت و عمدتاً در اروپا به وجود آمد و سرانجام به سنت انتقادی تبدیل شد.

۳- سنت بین‌المللی و چند فرهنگی که بیشتر از سایر سنت‌ها اشاعه یافته است و هنوز هم در حال توسعه است.

۴- کارهای مربوط به آینده‌های انتگرال که با کار کن ویلبر و همکارانش در سراسر جهان ظهور یافته است و به نوعی می‌توان آن را تکامل سنت‌های پیش گفته دانست.

تعدادی از پیشگامان اروپایی جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن را در نظر گرفتند و شروع به کشف و طراحی مفاهیم و مضامین جامعه شهری، تحصیلات، سیاست و امثالهم نمودند. کارهای آنها سبب گستردگی و عمق بیشتر تحقیق درباره آینده شد. اگرچه آنها کمتر دل‌مشغولی فناوری‌های جدید را داشتند و بیشتر بر مفهوم زندگی خوب همراه با نوآوری‌های اجتماعی و عرضه آن به جامعه به عنوان یک کل توجه داشتند (گروف، ۲۰۰۵).



شکل ۱. عوامل مؤثر بر آینده‌پژوهی پدیده‌های پیچیده (اهرسمان، ۲۰۱۳)

از آنجایی که میزان موفقیت هر پدیده را در آثارش می‌سنجند، موفقیت آینده‌پژوهی در مدیریت دانش علوم انسانی را نیز در میزان تحقق اهدافش مورد ارزیابی قرار می‌دهند. گوده^۳، آینده‌پژوه فرانسوی معتقد است میزان موفقیت پروژه آینده‌پژوهی یا تفکر آینده اندیشانه را می‌توان از راه کیفیت انعکاس در گروه و مناسب‌سازی تحلیل‌ها و نتیجه‌گیری پروژه، اندازه‌گیری کرد. در مبنای‌ترین سطح، موفقیت را می‌توان چنین توصیف کرد: "دستیابی به اهداف برنامه آینده‌پژوهی". اما مشکل آن است که آینده‌پژوهی، هدف‌های متعدد و متنوعی را دنبال می‌کند. برخی موفقیت آینده‌پژوهی را در تأثیرات فراگیر آن می‌دانند که به دودسته ابعاد فناورانه و ابعاد اجتماعی تقسیم می‌شود، حال آنکه برخی معتقدند موفقیت آینده‌پژوهی نباید بر پایه آثار برنامه ارزیابی شود. با در نظر داشتن سلسله اهداف تعریف‌شده و معیارهای موفقیت، برخی بررسی‌های انجام شده در این حوزه بر تعریف شرکت‌کنندگان در آینده‌پژوهی از "موفقیت" تمرکز یافته است (گودت، ۲۰۰۵).

پیشینه تجربی پژوهش

اهرسمان (۲۰۱۲) در مطالعه خود (که به ارائه مدلی برای آینده‌پژوهی پدیده‌های پیچیده متمرکز بود)، دریافت که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سناریونویسی برای آینده این پدیده‌ها عبارت‌اند از: میزان انعطاف، امکان تجزیه‌پذیری و میزان نوسانات ذاتی پدیده.

ابلس^۴ (۲۰۰۶) اظهار می‌دارد که دانشگاه‌ها، مستمراً در حال تغییرند بنابراین پژوهش در حوزه علوم انسانی در دانشگاه‌ها مستلزم "کسب دانش در خصوص عوامل ایجاد تغییر" است. سولیوان^۵ (۲۰۰۴) معتقد است پیش‌بینی رفتارهای انسانی به دلیل عامل "پیچیدگی عوامل بروز"، بسیار دشوار است. برخی رفتارها را نمی‌توان با دلایل منطقی، مورد تحلیل قرار داد. وی پیش‌بینی رفتار را از حیث "پیچیدگی عوامل بروز"، به پیش‌بینی آب و هوا تشبیه کرده است. به باور وی، تلاش آینده‌پژوهان آن است تا در حداقل نظم و آشفتگی به کندوکاو علل تغییرات بپردازند.

هولشوز (۲۰۰۷)، طی پژوهش خود به این نتیجه رسید که

3. Godet
4. Abeles
5. Sullivan

1. Slaughter
2. Groff

روبرگ^۲ (۲۰۱۲)، به بررسی میزان استفاده از آینده‌پژوهی در نظام مدیریتی کشور کانادا پرداخته است. نتایج مطالعه او نشان داد علیرغم وجود ظرفیت‌های قابل اتکا در آینده‌پژوهی و تأییراتی که می‌تواند بر مدیریت داشته باشد، میزان استفاده از این علم در نظام مدیریتی کانادا، چندان قابل توجه نیست. وی معتقد است اساساً میزان بهره‌مندی از آینده‌پژوهی در نظام‌های مدیریتی در سراسر جهان (بنا به دلایل متعدد از جمله تعاملات پیچیده نظام‌های مدیریتی با نظام‌های سیاسی)، چندان برجسته نبوده و تحقیق وی از معدودترین تحقیقات در این حوزه است.

دیتور^۳ (۲۰۰۲)، معتقد است تنها با استفاده از دو عامل "ابزار مناسب" و "داده‌های مناسب" می‌توانیم در پیش‌بینی و خلق آینده امیدوار باشیم.



شکل ۴. عوامل مؤثر بر پیش‌بینی و خلق آینده (دیتور، ۲۰۰۲)

با این وجود، هارتی^۴ و همکارانش (۲۰۰۷)، به شدت از روش‌شناسی‌های موجود در حوزه آینده‌پژوهی انتقاد می‌کند و به این امر اذعان دارد که آینده‌شناسان بایستی به دنبال روش‌شناسی جدیدی در این حوزه باشند. او می‌گوید تناقضی در این مبحث مشاهده می‌کنیم و آن این است که از یک طرف تمایل به نشان‌دادن مسائل مرتبط با درک سریع تغییرات در جهان آینده داریم و از سوی دیگر ابزارهای ما، گذشته‌نگر و مبتنی بر ایده‌های امروزی و گذشته هستند.

استفن^۵ (۲۰۱۴)، در مطالعه‌ای که با استفاده از رویکرد تحلیل تم انجام شد، عوامل "میزان دسترسی به امکانات آموزشی"، "شیوه‌های آموزش"، "میزان سرمایه‌گذاری"، "فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی"، "تجربه تغییر و نیازهای اجتماعی" را به عنوان مهم‌ترین عوامل ایجاد آینده مطلوب در حوزه فرهنگی معرفی نمود.

مهم‌ترین ویژگی‌های مورد نیاز نسل آینده مدیریت دانش، عبارت‌اند از تمرکز بر حوزه‌هایی که موجب ارزش‌افزوده می‌شوند، تغییر محسوس در فضاهای کاری، ساده‌سازی و کاهش پیچیدگی‌های کارها، درصد تغییرات به‌موقع در حوزه‌های مرتبط. او در بین ویژگی‌های فوق، ایجاد ارزش‌افزوده را (که خود شامل متغیرهای سرعت، کیفیت، نوآوری و همکاری بود) مهم‌ترین ویژگی قلمداد کرد.



شکل ۲. ویژگی‌های مدیریت دانش در آینده (هولشوز، ۲۰۰۷)

هاینس^۱ (۲۰۰۳) در مقاله خود با مضمون آینده‌پژوهی، چهار سناریو را برای آینده این رشته در بین علوم مختلف شناسایی کرد:

۱) آینده‌پژوهی یک علم کاملاً مستقل از سایر علوم بوده و تقاضا برای استفاده از آن بالا خواهد بود؛ ۲) آینده‌پژوهی رشته‌ای مستقل از علوم دیگر نبوده، اما افراد خبره در آینده‌پژوهی در رشته‌های مختلف به پیشبرد آن علوم کمک می‌کنند؛ ۳) آینده‌پژوهی رشته‌ای مستقل از علوم دیگر به حساب می‌آید ولی نقش کاربردی در پیشبرد علوم دیگر ایفا نمی‌کند؛ و ۴) آینده‌پژوهی رشته‌ای مستقل محسوب نمی‌شود و نیازی هم به آن احساس نمی‌شود.



شکل ۳. چهار سناریوی جایگاه آینده‌پژوهی در بین علوم (هاینس، ۲۰۰۳)

۲. Roberge (2012)

۳. Dator (۲۰۰۲)

۴. Harty at el.

۵. Stephen

۱. Haynes

به‌نظر ماریون و باکون^۵ (۲۰۰۰)، تنها راه پژوهش در آینده که در آن آشفتگی حاکم است "شناخت ارکان رفتار" و "بهره‌مندی از قدرت نوآوری" برای ایجاد آینده و نیز واکنش به آینده است.

استیسی^۶ (۱۹۹۳)، به این امر اذعان دارد که پیچیدگی برابر است با خلاقیت. در پیچیدگی، راه میانبری برای انجام یک تحلیل منطقی وجود ندارد

فن‌ویک^۷ (۲۰۰۳) معتقد است که علم روانشناسی و منابع انسانی پیش‌بینی می‌کند که انسان‌های آینده محدودیت‌های کمتری را در بروز رفتارهایشان برمی‌تابند و فضای اجتماعی و شغلی آنها بایستی امکان بروز خلاقیت را برای آن‌ها فراهم نماید (۱).

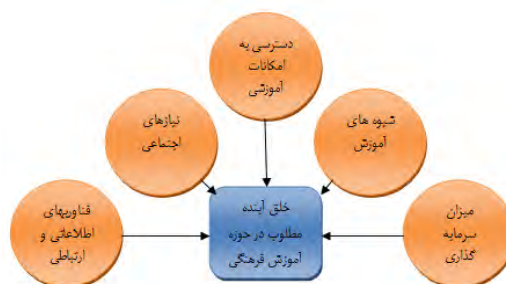
فو و فو^۸ (۲۰۰۳)، بر این باورند که "عدم اطمینان‌ها"، مانعی در برنامه‌ریزی آینده به شمار می‌روند و آینده‌پژوهان با استفاده از رویکردهای غیرخطی در پی کاهش عدم اطمینان‌ها در برآوردهایشان هستند.

گرتز و همکارانش^۹ (۲۰۰۴)، می‌گویند "پیچیدگی‌های ایجاد تغییر در آینده"، از مهم‌ترین دشواری آینده‌پژوهی محسوب می‌شود. و این عامل، آینده‌پژوهی را به یک مسابقه شطرنج، یک بازی فکری، یک ماشین پیچیده، یک مسئله نظامی یا یک ساختمان شبیه کرده است

استینر^{۱۰} (۲۰۰۱) مهم‌ترین عامل به خطا رفتن پیش‌بینی‌های آینده را "ویژگی‌های انسانی" برمی‌شمارد. وی، ویژگی‌های انسانی را از چالش‌های مدیریت برای رهبران تغییر قلمداد می‌کند.

هولبروک^{۱۱} (۲۰۰۳)، بیان داشت که درک و شناسایی رمز و راز رفتارهای انسانی و پیش‌بینی آن دشوار است. این بدان خاطر است که امکان ماشینی فرض کردن هوش انسان، سخت است. وی در پژوهش خود، عامل "هوش انسان" را از مهم‌ترین موانع پیش‌بینی عملکرد انسانی می‌داند.

وسترهجن^{۱۲} (۲۰۰۵)، در مقاله خود اشاره به "تفکر"، پیش‌نیاز "پیش‌بینی" دارد. وی اعتراف می‌کند که نقش علم آینده‌پژوهی همیشه پیش‌بینی آینده نیست بلکه برخی اوقات صرفاً بایستی به آن فکر کنیم.



شکل ۵. عوامل تغییر در حوزه فرهنگی (استفن، ۲۰۱۴)

بلاس و همکارانش^۱ (۲۰۱۱)، در پژوهشی، سناریوهای ممکن را برای آینده اجتماعی منطقه میدلند در انگلیس، شناسایی کردند. روش پژوهش آنان، مصاحبه عمیق با کارفرمایان و رهبران محلی و همچنین گردآوری داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه‌هایی که بین مردم ساکن در منطقه توزیع شده، بوده است. محتمل‌ترین سناریوی شناسایی شده برای این منطقه، کاهش صنایع تولیدی، رشد اقتصاد دانش‌محور، از بین رفتن مشاغلی که نیاز به مهارت کم دارند و رشد بیکاری ناشی از عدم تناسب مهارت‌ها با مشاغل موجود بوده است.

بوئر و وسترهجن^۲ (۲۰۰۵)، معتقدند تحقیق و نوشتن در مورد آینده علوم انسانی بسیار دشوار است و در مرحله شروع، متوقف می‌شود. از این رو وی بر این باور است که اساساً چیزی به نام علم آینده‌پژوهی در این حوزه وجود ندارد. بل (۲۰۰۳)، اعتقاد دارد که بجای پژوهش صرف با هدف پیش‌بینی علوم انسانی در آینده باید آینده آن را خودمان شکل دهیم (بل^۳، ۲۰۰۳).

اسمیت^۴ (۲۰۰۵)، در مقاله خود به این موضوع اشاره که به دلیل پدیده "پیچیدگی"، دلایل رویدادها را نمی‌توان به‌طور کامل شناخت و این موجب می‌شود تا پیش‌بینی و سناریونویسی عمدتاً به شکست بیانجامد.

استایر (۲۰۰۲) بر این اعتقاد است که در جهان کنونی تغییرات نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده صرفاً یک "درک" است و نه یک واقعیت. در عالم واقعیت، نظریه‌پردازان پیچیدگی، بر این باورند که تغییرات در رفتار، خطی نیستند بلکه عوامل متعددی بر آن تأثیرگذار است. آنها رویکردی بدبینانه را در پیش گرفته‌اند و می‌گویند هر تلاشی در پیش‌بینی آینده به دلیل پیچیدگی‌های موجود، نافرجام خواهد بود.

5. Marion. & Bacon
6. Stacey (1993)
7. Fenwick (2003)
8. Foo & Foo (2003)
۹. Graetz
۱۰. Steiner (2001)
11. Holbrooke

1. Blass at el.
2. Boer & Westerajen
۳. Bell
۴. Smith

مدل مفهومی پژوهش

در این بخش، به معرفی مدل مفهومی پرداخته‌ایم و در ادامه، روش مورد استفاده در این تحقیق، مورد اشاره قرار گرفته است؛ در مدل مفهومی این مطالعه، "ملاحظات علوم انسانی اثرگذار بر مدیریت دانش" را به عنوان ورودی در نظر گرفته‌ایم. که این ورودی پس از پردازش در "فرایند آینده‌پژوهی" منجر به خروجی این تحقیق ("نتایج و دستاوردهای آینده‌پژوهی در مدیریت دانش علوم انسانی") خواهد شد.

با وجود مطالعات متعدد انجام‌شده در حوزه آینده‌پژوهی، در خصوص تأثیرات ویژگی‌های علوم انسانی بر آینده‌پژوهی و نیز اثرات آینده‌پژوهی بر مدیریت دانش حوزه علوم انسانی پژوهش‌های اندکی انجام‌شده است. پژوهش‌های در این حوزه، عمدتاً بر سناریونویسی متمرکز بوده و در آینده‌پژوهی علوم غیرطبیعی، بیشتر تلاش پژوهشگران بر آینده‌پژوهی علوم رفتاری و اجتماعی معطوف بوده است و نه علوم انسانی. از این رو، پژوهش در زمینه شناسایی عوامل تغییر در آینده علوم انسانی، تعیین مسیر فردای علوم انسانی، جهت‌دهی سمت و سوی علوم انسانی در راستای اهداف متعالی این حوزه، حائز اهمیت بوده و آینده‌پژوهی در این مهم، نقش به‌سزایی ایفا خواهد نمود.



اثرات متقابل آینده پژوهی بر علوم انسانی

شکل ۶. مدل مفهومی تحقیق

جدول ۱. تعریف سازه‌های مدل

سازه	نقش در مدل	تعریف	سؤال احصایی تم	کد سؤال
ملاحظات علوم انسانی	ورودی	علوم انسانی، دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر انواع علوم (از جمله علوم طبیعی) متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها، به عنوان محدودیت‌ها یا ملاحظات نیز نام برد، که بر فرایند آینده‌پژوهی و نتایج منتج از این فرایند اثرگذار باشد. در این پژوهش برآنیم تا با استفاده از نظر نخبگان و خبرگان این حوزه، شناسایی نماییم.	ملاحظات آینده‌پژوهی در حوزه علوم انسانی کدام است؟	۱
دستاوردهای آینده‌پژوهی	خروجی	در چه صورت می‌توانیم بگوییم که فرایند آینده‌پژوهی دارای نتایج مساعد و مطلوبی برای ما بوده است؟ به عبارت دیگر نقاط موفقیت فرایند آینده‌پژوهی در مدیریت دانش حوزه علوم انسانی، چیست؟ در این پژوهش، سعی می‌شود تا نظر خبرگان در مورد دستاوردهایی که آینده‌پژوهی می‌تواند در حوزه مذکور برای بشر به ارمغان آورد، شناسایی گردد.	نقطه موفقیت آینده‌پژوهی از منظر مدیریت دانش در علوم انسانی چیست؟	۲
اثرات متقابل آینده‌پژوهی بر علوم انسانی	بازخورد	ما از آینده‌پژوهی چه می‌خواهیم؟ ما می‌خواهیم تا با استفاده از دانش آینده‌پژوهی، تصمیمات بهتری را اتخاذ نموده و قادر به اثرگذاری بیشتری در آینده باشیم. فرایند آینده‌پژوهی، بی‌شک به دنبال اثرگذاری بر تصمیمات و مؤلفه‌های مؤثر بر تصمیم هست. این تحقیق در پی آن است تا اثراتی را که فرایند آینده‌پژوهی بر مدیریت دانش حوزه علوم انسانی دارند را شناسایی نماید.	اثرات متقابل آینده‌پژوهی در حوزه علوم انسانی کدام است؟	۳

تهدید)، ساخت سناریوهایی بر اساس شناخت حاصل‌شده (که در آن بهترین سناریو، بدترین سناریو و سناریوهای غیرمنتظره)

در این پژوهش، فرایند آینده‌پژوهی، مشتمل بر سه‌گام شناخت عوامل مؤثر درونی (نقاط قوت و ضعف) و بیرونی (فرصت و

به سناریوهای مطلوب هست.

سال (با میانگین ۴۹ سال) بود. سابقه کار آنها حداقل ۹ سال و حداکثر ۱۵ سال (با میانگین ۱۱ سال) بود. از نظر درجه علمی، ۲ نفر دانشیار و ۵ نفر استادیار بودند.

روایی و پایایی ابزار پژوهش

از آنجایی که تم‌های برگزیده با استفاده از نظرات خبرگان، احصاء شده، روایی مصاحبه تأیید شد. همچنین برای تأیید پایایی مصاحبه از روش باز آزمایی استفاده شده است؛ برای این منظور، دو مورد از مصاحبه‌ها، کدگذاری شده و پس از گذشته ده روز از مصاحبه اول، اقدام به تجدید مصاحبه‌ها شده است. میزان شباهت مصاحبه‌ها بیش از هشتاد درصد بوده است.

به منظور انجام مصاحبه‌ها، دستورالعملی تهیه شد. در ابتدای مصاحبه، هدف کلی مصاحبه به اطلاع مصاحبه‌شونده رسید و تأکید شد که مصاحبه صرفاً با مقاصد پژوهشی انجام می‌شود و هویت افراد به هیچ عنوان در گزارش و مقاله استخراج شده ارائه نخواهد شد. برای انجام مصاحبه نحوه ذخیره اطلاعات (از طریق ضبط صدا یا یادداشت‌برداری) با مصاحبه‌شونده، هماهنگ شد. ۵ سؤال از پیش تعیین شده برای این مصاحبه در نظر گرفته شده بود.

در این تحقیق، پنج سؤال تعیین شده بود که سؤالات ۱، ۲ و ۳، با هدف یافتن تم‌های پرتکرار جهت جاگذاری در مدل مفهومی، و سؤالات ۴ و ۵ از جایگاه آینده‌پژوهی (و مستقل از مدل مفهومی)، پیش‌بینی شده بود. پنج سؤال اصلی که برای این تحقیق در نظر گرفته شد در جدول ۲، اشاره شده است:

جدول ۲. سؤالات اصلی مصاحبه

سؤال
ملاحظات آینده‌پژوهی در حوزه علوم انسانی کدام است؟
نقطه موفقیت آینده‌پژوهی در علوم انسانی از منظر مدیریت دانش کجاست؟
به نظر شما، اثرات آینده‌پژوهی بر حوزه علوم انسانی کدام است؟
آینده‌پژوهی در علوم انسانی از منظر مدیریت دانش را چگونه می‌بینید؟
چه عواملی می‌تواند به شناساندن آینده‌پژوهی در این حوزه کمک کند؟

ایده‌های مستقل، در قالب مفاهیم، و تم‌های فرعی، شناسایی و سپس به هریک از آنها، یک کد اختصاص داده شد. نحوه کدینگ نظرات بدین صورت بود که هر نظر حاوی یک کد سه‌رقمی بود آن رقم با رقم قبلی (یا بعدی) با خط فاصله جدا شده بود. رقم اول؛ کد مصاحبه، رقم دوم؛ کد پرسش و رقم سوم؛ کد نظر بود.

شناسایی می‌شود و سرانجام تدوین استراتژی جهت دستیابی

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به نوین بودن تحقیقات درخصوص نقش آینده‌پژوهی در مدیریت دانش حوزه علوم انسانی در جهان و به خصوص در ایران، تصمیم گرفته شد تا تحقیقی موردی در این خصوص صورت پذیرد. در این تحقیق، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با رویکرد تحلیل تم استفاده شد. هدف تحقیق، شناسایی ایده‌هایی اولیه برای توسعه الگوهای نظری برای تحقیقات تجربی آتی بر اساس یافته‌های کیفی بود. همچنین بر اساس نتایج این تحقیق بتوان ایده‌هایی را شناسایی کرد که برای انجام تحقیقات کمی با نمونه‌های آماری بزرگ مورد استفاده قرار گیرد.

جامعه مشارکت‌کنندگان

برای انجام مصاحبه، ۱۳ نفر از اساتید دانشگاه‌های دولتی مشهد (دانشگاه‌های فردوسی و پیام‌نور)، در حوزه علوم انسانی به روش گلوله برفی انتخاب شدند؛ به عبارت دیگر، از اساتید درخواست شد ضمن بیان نظرات خود، فرد دیگری را به عنوان خبره معرفی نمایند. هماهنگی‌های لازم با واسطه و بدون واسطه صورت پذیرفت و به دلیل برخی از محدودیت‌های موجود (زمان، نیروی انسانی)، امکان مصاحبه با تنها ۷ نفر از اساتید مزبور، میسر گردید. سعی شد توزیع مناسبی از افراد مورد مصاحبه در دانشکده‌های حوزه علوم انسانی (۷ نفر مربوط به ۵ رشته تحصیلی) وجود داشته باشد. هر ۷ نفر، عضو هیئت علمی رسمی دانشگاه بودند. از افراد مورد مصاحبه، ۵ نفر آقا و ۲ نفر خانم بودند. سن آنها حداقل ۳۹ سال و حداکثر ۶۳

برای تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها، از روش تجزیه و تحلیل تم که در تحقیق‌های کیفی، کاربرد وسیعی دارد، استفاده گردید.

در این روش، متن مصاحبه‌ها بر روی کاغذ پیاده شد و ویرایش شکلی صورت گرفت. سپس با مطالعه دقیق این متون، در ابتدا برای هریک از مصاحبه‌های انجام شده، تمامی

جدول ۳. طریقه جمع‌بندی و دسته‌بندی نظرات جمع‌آوری شده

کد مصاحبه	کد پرسش	کد نظر	کد تم	عنوان تم فرعی
۳	۱	۱	تم فرعی ۳	تعریف شاخص‌های اخلاقی
۳	۱	۲	تم فرعی ۳	تعریف شاخص‌های اخلاقی
۳	۱	۳	تم فرعی ۵	شناخت دلایل تغییر در آینده
۳	۱	۴	تم فرعی ۵	شناخت دلایل تغییر در آینده
۳	۱	۵	تم فرعی ۱	تعیین نقطه مطلوب برای آینده
۳	۱	۶	تم فرعی ۲	تعیین راهبرد برای تحقق اهداف
۳	۱	۷	تم فرعی ۲	تعیین راهبرد برای تحقق اهداف
۳	۱	۸	تم فرعی ۲	تعیین راهبرد برای تحقق اهداف

چهارم تعداد تکرار در بین پاسخ‌ها، ستون پنجم درصد افرادی که به این تم به عنوان پاسخ اشاره نموده‌اند و ستون آخر، سهم هر یک از تم‌ها در بین سه تم اول است.

در پاسخ به اولین پرسش تحقیق (به‌نظر شما اثرات آینده‌پژوهی چیست)، "پیش‌بینی آینده" به عنوان پرتکرارترین تم، مورد تأکید پرسش‌شوندگان بود به‌طوری‌که هفتاد درصد پاسخ‌دهندگان این تم را اظهار نموده‌اند. "ایجاد تغییرات مطلوب در آینده علوم انسانی" و "شناسایی عوامل مؤثر در تغییرات آینده علوم انسانی"، به عنوان دومین و سومین تم‌های پرتکرار (شصت‌وپنجاه درصد پرسش‌شوندگان) برگزیده شد (جدول ۴).

جدول ۴. یافته‌های پرسش اول تحقیق

کد تم	تم	رتبه تم	میزان تکرار	درصد پاسخ‌دهندگان	تم برگزیده
۱	پیش‌بینی آینده علوم انسانی	۱	۵	۰.۷	۰.۴۲
۳	ایجاد تغییرات مطلوب	۲	۴	۰.۶	۰.۳۳
۵	شناسایی عوامل مؤثر در تغییرات	۳	۳	۰.۵	۰.۲۵

پاسخ‌دهندگان، این تم را بیان داشته‌اند. همچنین "پیچیدگی‌های رفتار انسان" و "موانع شناخت انسان"، به عنوان دو تم پرتکرار بعدی انتخاب شده است (جدول ۵).

درخصوص پاسخ‌ها و پاسخ‌دهندگان بعدی نیز از الگوی دسته‌بندی فوق استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

پس از دسته‌بندی پاسخ‌ها، اقدام به نتیجه‌گیری از مطالعه بر اساس تحلیل تم شد. به‌گونه‌ای که سه تم پرتکرار شناسایی شده هر پرسش (از پرتکرارترین به کم تکرارترین)، رتبه‌بندی شدند که در ادامه به آن اشاره می‌گردد. در جداولی که بیانگر یافته‌های تحقیق است و در ادامه می‌آید، ستون اول (از راست)، کد تم در دسته‌بندی اولیه است. ستون دوم، شرح تم بوده، ستون سوم، رتبه تم بر اساس میزان تکرار، ستون

در جواب به دومین سؤال تحقیق (ملاحظات و محدودیت‌های آینده‌پژوهی در حوزه علوم انسانی کدام است)، "سوگیری و جهت‌دار بودن علوم انسانی"، به عنوان پرتکرارترین تم، مورد تأکید افراد پاسخ‌دهنده بود به نحوی که هفتاد درصد

جدول ۵. یافته‌های پرسش دوم تحقیق

کد تم	تم	رتبه تم	میزان تکرار	درصد پاسخ‌دهندگان	تم برگزیده
۱۰	سوگیری و جهت‌دار بودن علوم انسانی	۱	۷	۰.۷	۰.۴۱
۸	پیچیدگی‌های رفتار انسان	۲	۶	۰.۴	۰.۳۵
۱۳	موانع شناخت انسان	۳	۴	۰.۳	۰.۲۳

در پاسخ به سومین پرسش این پژوهش (نقطه موفقیت آینده‌پژوهی چیست)، "تحقق پیش‌بینی‌ها" و "رسیدن به آینده موردنظر"، ب عنوان پرتکرارترین تم‌ها، توسط هشتاد و دو نفر از پاسخ‌دهندگان، بیان شد. علاوه بر آن، "ارتقای دانش آینده‌پژوهی"، که مورد تأکید چهل درصد نخبگان قرار گرفت به عنوان تم پرتکرار سوم انتخاب شد (جدول ۶).

جدول ۶. یافته‌های پرسش سوم تحقیق

کد تم	تم	رتبه تم	میزان تکرار	درصد پاسخ‌دهندگان	تم برگزیده
۱۸	تحقق پیش‌بینی‌ها	۱	۶	۰.۸	۰.۴۶
۱۵	رسیدن به آینده موردنظر	۲	۵	۰.۸	۰.۳۸
۱۶	ارتقای دانش آینده‌پژوهی	۳	۲	۰.۴	۰.۱۵

در جواب به چهارمین پرسش تحقیق (آینده دانش آینده‌پژوهی در علوم انسانی از منظر مدیریت دانش را چگونه می‌بینید)، آینده‌ای روشن و بدون ابهام، تبدیل به یک دانش پرترفدار و تبدیل به یک میان‌رشته‌ای تأثیرگذار، به عنوان پرتکرارترین تم‌ها، توسط چهل درصد از پاسخ‌دهندگان، مورد تأکید قرار گرفت (جدول ۷).

جدول ۷. یافته‌های پرسش چهارم تحقیق

کد تم	تم	رتبه تم	میزان تکرار	درصد پاسخ‌دهندگان	تم برگزیده
۲۲	آینده‌ای روشن و بدون ابهام	۱	۴	۰.۵	۰.۴۴
۲۵	تبدیل به یک دانش پرترفدار	۲	۳	۰.۴	۰.۳۳
۲۱	تبدیل به یک میان‌رشته‌ای تأثیرگذار	۳	۲	۰.۴	۰.۲۲

در پاسخ به پنجمین سؤال این پژوهش، (چه عواملی می‌تواند به شناساندن آینده‌پژوهی در حوزه علوم انسانی کمک کند؟)، اثرات آینده‌پژوهی خود بهترین مبلغ برای این دانش است، پرتکرارترین تم بود به طوری که شصت درصد پاسخ‌دهندگان آن را اظهار داشتند. همچنین، آشنا کردن فعالان علمی با این دانش و توسعه این دانش در دانشگاه‌ها، به عنوان تم‌های دوم و سوم پرتکرار، انتخاب شد (جدول ۸).

جدول ۸. یافته‌های پرسش پنجم تحقیق

کد تم	تم	رتبه تم	میزان تکرار	درصد پاسخ‌دهندگان	تم برگزیده
۳۰	اثرات آینده‌پژوهی بهترین مبلغ برای این دانش است	۱	۴	۰.۶	۰.۴۴
۲۷	آشنا کردن فعالان علمی با این دانش	۲	۳	۰.۴	۰.۳۳
۲۸	توسعه این دانش در دانشگاه‌ها	۳	۲	۰.۴	۰.۲۲



شکل ۷. مدل مفهومی (با ریز تم‌های احصاء شده)

در جدول ۹، به تعاریف متغیرهای مدل مفهومی، پرداخته شده است؛

جدول ۹. تعاریف متغیرهای مدل مفهومی

سازه	متغیر	تعریف متغیر
ملاحظات علوم انسانی	سوءگیری علوم انسانی	محور مورد مطالعه در علوم انسانی، انسان و نهادهای اجتماعی است. این محور با موضوع مورد مطالعه در رشته‌های علوم تجربی و طبیعی کاملاً متفاوت است. این محور، دانشی را که پژوهشگر درباره او تولید می‌کند در اختیار می‌گیرد و می‌خواند یا از آن کسب آگاهی می‌کند. کسب این آگاهی در نوع رفتارش متجلی می‌شود و بنابراین رفتارش را تغییر می‌دهد از این رو به نظم و نسق در آوردن رفتار چنین ابژه‌ای دشوار و گاهی ناممکن است.
	پیچیدگی‌های رفتار انسان	پدیده‌های اجتماعی برخلاف پدیده‌های طبیعی به دلیل نقش فعال انسان در آنها، به صورت مستمر در حال تغییر و تحول هستند؛ این امر به دلیل آشفتنی انسان در اتخاذ تصمیمات مناسب و دستیابی به اهدافش اتفاق می‌افتد. همچنین پیچیدگی روابط میان فردی و اجتماعی به سبب بروز فناوری‌های جدید، سرعت تغییرات را نیز به شکل قابل توجهی افزایش داده است که خود بر پیچیدگی رفتار انسان امروزی افزوده است.
اثرات آینده پژوهی	موانع شناخت انسان	با توجه به اینکه انسان هم در مقام نظر و هم در عرصه عمل، از توانایی تعقل برخوردار است شناخت مکفی انسان با موانعی روبروست. به تعبیر بهتر، تعقل مهم‌ترین فعالیت آدمی است و در تمام فعالیت‌ها، از جمله شنیدن، دیدن، مشاهدات قلبی، همچنین تولید مفاهیم و گزاره‌ها، استنتاج‌ها، ارزیابی‌ها، تعمیم‌ها، ارجاعات، اصلاحات، بازنگری‌های مکرر و یقین و عمل حضور اساسی دارد. باین‌حال شناخت برآمده از آن دچار محدودیت‌هایی است.
	پیش‌بینی آینده	از اثرات فرایند آینده‌پژوهی، پیش‌بینی آینده بوده است. ما بر آنیم تا با استفاده از دانش آینده‌پژوهی، قادر باشیم تا آینده را پیش‌بینی کنیم. پیش‌بینی آینده، در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های حوزه علوم انسانی، منشأ کمک‌های شایانی خواهد بود.
	ایجاد تغییرات مطلوب	از جمله اثرات فرایند آینده‌پژوهی، می‌توانیم به رویای بشر که همانا دستیابی به تغییرات دلخواه در آینده است، جامعه عمل ببوشانیم. این تغییرات می‌تواند خلق، نگهداشت و بهره‌برداری از دانش‌هایی باشد که منتج به پیشرفت در حوزه علوم انسانی گردد.
دستاوردهای آینده پژوهی	شناسایی عوامل تغییر	از دیگر آثار فرایند آینده‌پژوهی این است که عوامل اثرگذار بر تغییرات را بشناسیم. شناسایی عوامل اثرگذار، کمک می‌کند تا بتوانیم با استفاده از تغییر، اصلاح یا تعدیل آن عوامل، تغییرات دلخواه را در آینده به وجود آوریم. به عبارت دیگر پیش‌بینی آینده و ایجاد تغییرات مطلوب در آن، مستلزم شناسایی عوامل تغییر می‌باشد.
	تحقق پیش‌بینی‌ها	از جمله نقاط موفقیت آینده‌پژوهی در حوزه‌های گوناگون علمی و اجتماعی، تحقق پیش‌بینی‌هاست. بی‌شک محقق شدن برخوردها و پیش‌بینی‌ها، از اهداف محوری فرایند آینده‌پژوهی محسوب می‌گردد. برآورده شدن پیش‌بینی‌ها مبین اثربخشی دانش آینده‌پژوهی خواهد بود و منجر به اعتباردهی بیشتر این دانش خواهد شد.
	رسیدن به آینده موردنظر	تحقق آینده مطلوب و در نقطه ایدئال آن رسیدن به مدینه فاضله از جمله دستاوردهای آینده‌پژوهی است. اساساً متعالی‌ترین هدف دانش آینده‌پژوهی، تحقق آینده مطلوب برای انبای بشر است. در حوزه علوم انسانی، تحقق جامعه‌ای با رعایت اخلاقیات کریمه، دستاوردی سترگ قلمداد می‌گردد.
	ارتقای دانش آینده پژوهی	از جمله دستاوردهای آینده‌پژوهی، کسب اعتبار و ارتقای جایگاه این دانش نویا بوده و این مهم متضمن اثبات میزان کارآمدی این دانش در بستر زمان است. به عبارتی دیگر، مهم‌ترین عامل مؤثر در ارتقای دانش اثربخشی، مسجل شدن آثار مثبت آن در تحقق پیش‌بینی‌ها و رسیدن به آینده موردنظر می‌باشد.

سازمان‌ها باید قابل پیش‌بینی باشند، بنابراین آینده‌مدیریت به تخصیص و در نظر گرفتن استراتژی مناسب برای برخورد با آشفتگی‌ها و عدم اطمینان بستگی دارد و از موقعیت‌های قابل پیش‌بینی و کارآمد، تولید کالا و خدمات را مدنظر قرار دهد. پس توانایی انعطاف‌پذیری و تطابق سریع و ایجاد مهارت برای برطرف ساختن نیازهای محیطی، احساس شده و بدون شک بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

خبرگان علوم انسانی مورد مطالعه در این تحقیق (که با رویکرد تحلیل تم انجام شده است)، بر این باور بودند که مهم‌ترین ملاحظات آینده‌پژوهی در علوم انسانی، "جهت‌دار بودن علوم انسانی"، "پیچیدگی‌های رفتار انسان" و "موانع شناخت انسان" بوده است. همچنین نقطه موفقیت آینده‌پژوهی در این حوزه، "تحقق پیش‌بینی‌ها"، "رسیدن به آینده موردنظر" و "ارتقای دانش آینده‌پژوهی" اظهار گردیده است. آینده‌پژوهی نیز "آینده‌ای روشن و بدون ابهام"، "تبدیل به یک میان‌رشته‌ای تأثیرگذار" و "تبدیل به یک دانش پرترفدار" ذکر شده است. از دید خبرگان، مهم‌ترین عوامل مؤثر در شناساندن آینده‌پژوهی حوزه علوم انسانی، "اثرات این علم"، "آشناکردن فعالان دانشگاهی با این علم" و "توسعه این دانش در دانشگاه‌ها" ذکر شده است.

انسان و نهادهای اجتماعی، عنصر مورد بحث در علوم انسانی است. این عنصر با موضوع مورد مطالعه در رشته‌های علوم تجربی و طبیعی کاملاً متفاوت است. این محور، دانشی را که پژوهشگر درباره او تولید می‌کند در اختیار می‌گیرد و می‌خواند یا از آن کسب آگاهی می‌کند. کسب این آگاهی در نوع رفتار متجلی می‌شود و بنابراین رفتار را تغییر می‌دهد از این‌رو به نظم و نسق درآوردن رفتار چنین اثره‌ای دشوار و گاهی ناممکن است.

پدیده‌های اجتماعی برخلاف پدیده‌های طبیعی به دلیل نقش فعال انسان در آنها، به صورت مستمر در حال تغییر و تحول هستند؛ این امر به دلیل آشفتگی انسان در اتخاذ تصمیمات مناسب و دستیابی به اهدافش اتفاق می‌افتد. همچنین پیچیدگی روابط میان فردی و اجتماعی به سبب بروز فناوری‌های جدید، سرعت تغییرات را نیز به شکل قابل توجهی افزایش داده است که خود بر پیچیدگی رفتار انسان امروزی

افزوده است. با توجه به این‌که انسان هم در مقام نظر و هم در عرصه عمل، از توانایی تعقل برخوردار است شناخت مکفی انسان با موانعی روبروست. به تعبیر بهتر، تعقل مهم‌ترین فعالیت آدمی است و در تمام فعالیت‌ها، از جمله شنیدن، دیدن، مشاهدات قلبی، همچنین تولید مفاهیم و گزاره‌ها، استنتاج‌ها، ارزیابی‌ها، تعمیم‌ها، ارجاعات، اصلاحات، بازنگری‌های مکرر و یقین و عمل حضور اساسی دارد باین‌حال شناخت برآمده از آن دچار محدودیت‌هایی است.

در این تحقیق، از پنج سؤال اصلی برای شناسایی نظر خبرگان علوم انسانی، استفاده شد که سه سؤال اول مربوط به مدل مفهومی این تحقیق، و دو سؤال آخر در خصوص جایگاه آینده‌پژوهی در این حوزه بود. خبرگان علوم انسانی مورد مطالعه، بر این باور بودند که مهم‌ترین ملاحظات آینده‌پژوهی در علوم انسانی، "جهت‌دار بودن علوم انسانی"، "پیچیدگی‌های رفتار انسان" و "موانع شناخت انسان" ذکر شده است. همچنین مهم‌ترین اثرات آینده‌پژوهی علوم انسانی، عبارت‌اند از "پیش‌بینی آینده"، "ایجاد تغییرات مطلوب در آینده" و "شناسایی عوامل مؤثر در تغییرات آینده". نقطه موفقیت آینده‌پژوهی در این حوزه، "تحقق پیش‌بینی‌ها"، "رسیدن به آینده موردنظر" و "ارتقای دانش آینده‌پژوهی" اظهار گردیده است. آینده‌پژوهی نیز "آینده‌ای روشن و بدون ابهام"، "تبدیل به یک میان‌رشته‌ای تأثیرگذار" و "تبدیل به یک دانش پرترفدار" ذکر شده است. از دید خبرگان، مهم‌ترین عوامل مؤثر در شناساندن آینده‌پژوهی حوزه علوم انسانی، "اثرات این علم"، "آشناکردن فعالان دانشگاهی با این علم" و "توسعه این دانش در دانشگاه‌ها" ذکر شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

علوم انسانی یکی از عوامل تأثیرگذار در حوزه آینده‌پژوهی است. بر همین مبنا، خود علوم انسانی هم می‌تواند موضوع آینده‌پژوهی باشد. این‌که علوم انسانی به کدام سمت می‌رود؟ آیا جهت‌گیری‌هایی که اکنون در نقاط مختلف دنیا وجود دارد، رویکرد درستی دارد؟ در نتیجه این مباحث، می‌توانیم از دو آموزه و مقوله صحبت کنیم: آینده‌پژوهی علوم انسانی و نقش علوم انسانی در آینده‌پژوهی. اینها دو موضوع مستقل و مهم هستند. باین‌وجود، آینده‌پژوهی نقش غیرقابل‌انکاری در مدیریت دانش حوزه علوم انسانی دارد. برای ایجاد یک دانش واقعی، کافی نیست که یک نفر بر اساس دانش خود بیندیشد و عمل کند. همه دانش‌ها ذاتاً اجتماعی و فرهنگی هستند و دانش سازمان تنها می‌تواند از طریق تغییرات فعالیت‌های سازمانی و بهبود عملکرد نیروی انسانی و اثربخشی سازمان در نظر گرفته شود. خلق دانش، دلالت ضمنی به تحول اجتماعی دارد. نسل جدید مدیریت دانش باید از طریق یادگیری سازمان به خلق دانش و فرایندهای نوآورانه در ساختارهای سازمان بپردازد. بنابراین، مدیران باید یاد بگیرند که چگونه، با محدودیت در کنترل و اطلاعات ناکافی مدیریت کنند. شاید یکی از دلایل پیشگامی مدیریت دانش این است که به دنبال خلق دانش جدید است.

است. در حوزه علوم انسانی، تحقق جامعه‌ای با رعایت اخلاقیات کریمه، دستاوردی سترگ قلمداد می‌گردد. ازجمله دستاوردهای آینده‌پژوهی، کسب اعتبار و ارتقای جایگاه این دانش نوپا بوده و این مهم متضمن اثبات میزان کارآمدی این دانش در بستر زمان است. به عبارتی دیگر، مهم‌ترین عامل مؤثر در ارتقای دانش اثربخشی، مسجل شدن آثار مثبت آن در تحقق پیش‌بینی‌ها و رسیدن به آینده موردنظر است.

ازجمله اثرات شناسایی شده از فرایند آینده‌پژوهی، پیش‌بینی آینده بوده است. ما بر آنیم تا با استفاده از دانش آینده‌پژوهی، قادر باشیم تا آینده را پیش‌بینی کنیم. پیش‌بینی آینده، در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های حوزه علوم انسانی، منشأ کمک‌های شایانی خواهد بود. تحقق آینده مطلوب و در نقطه ایده‌آل آن رسیدن به مدینه فاضله ازجمله دستاوردهای آینده‌پژوهی است. اساساً متعالی‌ترین هدف دانش آینده‌پژوهی، تحقق آینده مطلوب برای انبای بشر

منابع

عبدی، اسماعیل (۱۳۹۲). درآمدی بر آینده‌شناسی خطامشی ملی و تحول در علوم انسانی. فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی، سال دوم، شماره پنجم
گودرزی، غلامرضا و مهدی محمدی (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی نگاه تمدنی غرب و اسلام به مقوله سبک زندگی با رویکرد آینده‌پژوهی. فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی، سال دوم، شماره هفتم، ۱۸.
گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۶). تصمیم‌گیری استراتژیک (مطالعه موردی: رویکرد موعودگرایی شیعه). انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول
مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی (۱۳۸۹). دانش‌نامه آینده‌پژوهی، ج ۲، تهران، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
معلمی، حسن (۱۳۸۹). معرفت‌شناسی. چاپ دوم، کانون اندیشه جوان، تهران.

اسلاتر، ریچارد. ای (۱۳۸۵). دانش واژه آینده‌پژوهی. ترجمه محمدرضا فرزاد و امیر ناظمی، انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی فناوری صنایع دفاعی، چاپ اول
باربور، ایان (۱۳۸۵). تاریخ علم و دین. ترجمه بهاء‌الدین خرم شاهی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ پنجم
تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۹۰). آینده‌پژوهی در مطالعات استراتژیک. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول
خزایی، سعید (۱۳۹۱). آینده‌پژوهی فرهنگی و اجتماعی. دوم‌هنامه فارابی، شماره بیست و هفتم.
دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۸). تحلیلی بر موانع تولید دانش در حوزه علوم انسانی: رهنمودهایی برای ارتقای کیفیت ظرفیت خطامشی ملی علم ایران، سیاست علم و فناوری، دوره ۲، شماره ۱.
عباسی، عطاءالله (۱۳۸۵). مفاهیم آینده‌پژوهی و تأثیرات آن بر سیاست‌گذاری. نشریه سیاست علم و فناوری، شماره ۲ و ۳.

Abeles, D.P. (2006). Do we know the future of the University?. *On the Horizon*, 14(9), 35-42.
Blass, E., Thornton, M. & Rawlings, B. (2011). Future scenarios for a depressed region of England. *Foresight*, 13(6), 3-17.
Ehresman, C. (2012). A theoretical frame for future studies, *On the Horizon*. 21(1), 46-53.
Fenwick, T. (2003), Emancipatory potential of action learning: a critical analysis.

Journal of Organizational Change Management, 16(6), 619-32.
Foo, C. and Foo, C. (2003). Forecast ability, chaos and foresight. *foresight*, 5(5), 22-23.
Godet, M. (2005). Regions facing their futures. *Foresight* 7(2), 21-27.
Graetz, F., Rimmer, M., Lawrence, A. & Smith, A. (2004). *Managing Organisational Change*. John Wiley & Sons, Brisbane, 2nd ed

- Groff, L. (2005), Introduction to Future Studies. *Foresight*, 3(5), 106-115.
- Krawczyk & Slaughter, R. (2010), New generations of futures methods, *Futures*, 42, 75-82.
- Marion, R. & Bacon, J. (2000), Organizational extinction and complex systems. *Emergence*, 1(4), pp. 71-96.
- Roberge, I. (2012), Futures construction in public management. *International Journal of Public Sector Management*, 26(7), pp. 534-542.
- Slaughter, R. (2003), *Futures beyond Dystopia, Creating Social Foresight*. London: Routledge, 1th edition.
- Smith, A. (2005), Complexity theory for organizational futures studies. *Foresight*, 7(3), 22-30.
- Stacey, R. (1993), *Strategic Management and Organizational Dynamics*, London: itman
- Steiner, C. (2001). A role for individuality and mystery in managing change, *Journal of Organizational Change Management*, 14(2), 150-67.
- Sullivan, T. (2004). The viability of using various system theories to describe organizational change. *Journal of Educational Administration*, 42(1), 43-54.
- Vincent-Lancrin, S. (2004). Building futures scenarios for universities and higher education: an international approach. *Policy Futures in Education*, 2(2), 245-263.

